

مطالعه و بررسی آثار و استقرارهای اشکانی کوهپایه‌های آبیک

دکتر ارض اله نجفی*

دکتر فرزاد مافی*

رضا آخوندی**

چکیده

بررسی و مطالعه‌ی باستان شناختی ارتفاعات شمال شهرستان آبیک به دلیل مشرف بودن بر مسیر موسوم به جاده‌ی خراسان و شناخت دقیق چند و چون تطورات و تحولات فرهنگی این منطقه در دوره‌ی اشکانی می‌تواند ما را در درک هرچه بهتر تحولات شمال فلات مرکزی در دوره‌ی اشکانی یاری نماید.

در نتیجه‌ی این پژوهش که در قالب فصل اول بررسی باستان شناسی کوهپایه‌ی شهرستان آبیک (شامل محدوده‌ی شمالی دهستانهای زیاران، کوهپایه‌ی شرقی و غربی و اقبال شرقی) واقع در شمال فلات مرکزی انجام شد؛ تعداد ۸۹ محوطه باستانی شناسایی گردید که از این میان، تعداد ۳۸ محوطه دارای آثار و مواد فرهنگی دوره‌ی اشکانی است. تشخیص و درک کلی الگوی استقرار و مطالعه‌ی گونه شناسی سفال منطقه در دوره‌ی اشکانی از نتایج مهم این پژوهش است که نشانگر تغییرات جمعیتی یا الگوی پراکنش استقرارها در این بخش از جنوب البرز مرکزی نسبت به دوره‌ی قبل و بعد است. ضمن اینکه بیشتر استقرارهای منطقه در این دوره یا روستاهایی کوچک هستند (مانند قلامحله‌ی چناسک) و یا بصورت استقرارهای فصلی هستند و شواهدی از مراکز شهری شناسایی نشد تا منتج به تصویری از الگوی معیشتی ساکنان این محوطه‌ها در دوران مورد بحث می‌گردد. همچنین شایان اشاره است که فرهنگ مادی منطقه (غالباً سفال) در دوره‌ی اشکانی، علاوه بر دارا بودن ویژگیهای قوی بومی، متأثر از گستره‌ی فرهنگی غرب و شمال ایران است.

کلید واژه: اشکانی، فلات مرکزی، البرز مرکزی، کوهپایه‌ی آبیک، قلامحله‌ی روستای چناسک، کافر قلعه.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.

** دانشجوی باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.

درآمد

تا چند دهه پیش اطلاعات ما از وضعیت فرهنگی ایران در دوره اشکانی بسیار اندک و مبهم، و عمدتاً مبتنی بر گزارشهای تاریخی بود. اشارات گذرایی به دوره اشکانی در نوشته‌های مورخین ایران دوره اسلامی وجود دارد که برای تحلیل‌های باستان‌شناختی قابل اعتماد نیستند؛ لذا بیشترین اطلاعات تاریخی دوره اشکانی بر گرفته از نوشته‌های کلاسیک مورخین است. این نوشته‌ها از آنجائیکه از زبان رقیبان و دشمنان اشکانیان نقل شده چندان مورد اعتماد نبوده و از سوی دیگر بیشتر مربوط به قلمرو غربی اشکانیان است که با روم هم‌جوار بوده‌اند. نقص نسبی گزارشهای تاریخی باعث شده تا دستاوردهای پژوهشهای باستان‌شناختی، پاسخگوی بسیاری از سوالات مطرح درباره اوضاع سیاسی اجتماعی و فرهنگی ایران در عصر اشکانی باشد.

خوشبختانه در دهه‌های اخیر پژوهشهای میدانی قابل توجهی در داخل ایران انجام شده و در نتیجه آن، هم‌اکنون در بسیاری از مناطق کشور میتوان تصویر صحیح‌تری از وضعیت تحولات و تطورات فرهنگی دوره اشکانی بدست داد. در برخی دیگر از مناطق به ویژه منطقه مورد نظر این پژوهش، شناسایی، مستندسازی و معرفی مکانها و محوطه‌های باستانی بسیار ضروری می‌نماید تا از این راه بتوان ضمن شناسایی کلی الگوهای استقراری و نحوه پراکنش و توزیع فضایی این محوطه‌ها به انتخاب، گزینش و معرفی نقاط و محوطه‌هایی پرداخت که با گمانه‌زنی، لایه‌نگاری و کاوش در آنها دانش باستان‌شناسان در مورد دوره اشکانی توسعه یافته و تکمیل گردد.

منطقه کوهپایه آبیک بنا بر دلایل متعدد از جمله توانمندیهای زیست محیطی و موقعیت ویژه جغرافیایی آن و قرار گرفتن بر سر مسیر مهم باستانی موسوم به جاده خراسان (بعنوان پل ارتباطی بین شرق و غرب فلات ایران) از جمله مناطقی است که پی بردن به وضعیت آن در دوره اشکانی میتواند نقش مهمی در بازسازی تاریخ تحولات فرهنگی سیاسی و اجتماعی منطقه فلات مرکزی، شمال و شمال غرب کشور داشته باشد.

در این مقاله سعی شده است با استناد به نتایج حاصل از

چندین فعالیت میدانی در منطقه پژوهش (رضایی کلج، ۱۳۸۴)، (مافی، ۶-۱۳۸۵ و ۱۳۸۷) و نیز مناطق مجاور (مؤمنی، ۱۳۸۵)، (چوبیک، ۸-۱۳۸۱) و (پازوکی ۱۳۸۲) و انجام برخی مطالعات بر روی یافته‌ها و مواد فرهنگی دوره اشکانی منطقه، وضعیت فرهنگی کوهپایه آبیک در دوره اشکانی را تا حدی روشن نمود و از این طریق تصویر صحیح‌تری از تحولات فرهنگی منطقه در دوران تاریخی بدست داد.

مطالعه باستان‌شناختی دوره اشکانی منطقه کوهپایه آبیک در نوع خود در قالب این مقاله برای اولین بار انجام میشود لیکن در سالهای گذشته در این منطقه و مناطق مجاور پژوهشهایی انجام شده که نتایج آن مستقیم یا غیر مستقیم مورد استفاده و استناد نگارندگان قرار گرفته که اهم آنها عبارتند از:

شناسایی، معرفی و مستندسازی مکانها و محوطه‌های باستانی منطقه توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین (۱۳۸۴)، بررسی باستان‌شناسی کوهپایه آبیک (فصل اول) به سرپرستی فرزاد مافی (۶-۱۳۸۵)، کاوش نجات بخشی گورستان باستانی مزارا به سرپرستی فرزاد مافی (۱۳۸۷)، بررسی باستان‌شناسی مکانها و محوطه‌های باستانی دوران تاریخی دشت قزوین به سرپرستی لیلی نیاکان (۱۳۸۵)، بررسی باستان‌شناسی دره اندج‌رود الموت به سرپرستی آتوسا مؤمنی (۱۳۸۵)، بررسی و شناسایی و مستندسازی اماکن و محوطه‌های تاریخی طالقان به سرپرستی ناصر پازوکی (۱۳۸۲)، طرح پژوهشی با عنوان بررسی و تحلیل باستان‌شناختی الگوهای استقراری و فرهنگ مادی ارتفاعات جنوبی البرز در محدوده‌ی شهرستان آبیک بر اساس نتایج حاصل از بررسی‌های انجام شده و مطالعات جدید به سرپرستی ارض ... نجفی (۱۳۸۷).

انواع آثار

از مجموع ۸۹ مکان و محوطه باستانی و تاریخی شناسایی شده در منطقه مورد نظر این پژوهش، می‌توان ۳۸ مکان را با استناد به آثار و شواهد بدست آمده مربوط به دوره اشکانی دانست. این مکانهای باستانی از نظر کارکرد و شکل به چند گروه تقسیم میشوند (نقشه‌ی شماره ۱):

۲- محوطه^۱

۳- گورستان

۴- قلعه

۵- موارد دیگر.

پژوهش به سادگی ممکن و میسر نمی باشد. عمده ترین این محدودیتها عبارتند از:

۱- عدم کفایت پژوهشهای باستان شناسی نظری و میدانی در منطقه

۲- تمرکز مطالعات باستان شناسی بر دشت قزوین و مغفول ماندن کوهپایه

۳- توجه بیشتر به وضعیت فرهنگی منطقه و مناطق مجاور در دوران پیش از تاریخ و کمبود نسبی اطلاعات پیرامون دوران تاریخی (و به ویژه اشکانی) منطقه

۴- متکی بودن بیشتر اطلاعات موجود به یافته های سطحی بررسیهای باستان شناختی و عدم انجام کاوش باستان شناختی در محوطه های تاریخی (به ویژه اشکانی) منطقه

۵- عدم انتشار کامل نتایج حاصل از محدود مطالعات انجام شده.

دوره بندی فرهنگی منطقه

درک و دریافت وضعیت فرهنگی منطقه در دوره اشکانی بدون داشتن اطلاعات در خصوص پیشینه و ماهیت جوامع و گروههای انسانی ساکن در منطقه و تحولات و تطورات فرهنگ آنان دریافتی ابتر خواهد بود. لذا بایستی اطلاعاتی هرچند کلی در خصوص ادوار پیش از اشکانی منطقه ارائه داد. در فصل اول در بررسی های باستان شناختی منطقه کوهپایه آبیگ (دهستانهای زیاران، کوهپایه شرقی، کوهپایه غربی و بخشی از دهستان اقبال شرقی) مجموعاً تعداد ۸۹ اثر و محوطه باستانی شناسایی گردید که از ۱۲ محوطه آن مقادیر زیادی مصنوعات سنگی بدست آمد. مطالعات انجام شده حکایت از آن دارد که حداقل برخی از این محوطه ها مربوط به دوران پارینه سنگی میانه و جدید هستند (Naderi et al., 2010). از سوی دیگر از دو محوطه مواد فرهنگی و شواهد باستانی دوره های مس سنگی (کالکولیتیک) و از سه محوطه سفالهای عصر مفرغ بدست آمد. شناسایی ۲۱ محوطه باستانی مربوط به عصر آهن I الی III نشانگر تداوم بهره گیری جوامع و گروههای انسانی از توانمندیهای زیست محیطی منطقه از روزگاران کهن پارینه سنگی تا دوره تاریخی است. در این بین شناسایی ۳۸ محوطه دوره تاریخی (اشکانی) منطقه حکایت از آن دارد که دوره اشکانی را بایستی یکی از دوره های پر رونق منطقه از نظر زیستی

تپه: تعداد ۹ تپه باستانی در منطقه شناسای شده که ۳ تای آنها صرفاً مربوط به دوره اشکانی و مابقی دارای شواهدی از دوران پیش از تاریخ (عمدتاً عصر آهن) تا دوران متأخر اسلامی هستند.

محوطه: تعداد ۲۳ محوطه باستانی مربوط به دوره اشکانی نیز در منطقه شناسایی شده که از این میان ۹ محوطه صرفاً مربوط به دوران اشکانی، ۱۱ محوطه علاوه بر آثار اشکانی دارای شواهدی از استقرارهای دورانهای اسلامی هستند و ۱ محوطه دارای آثار پیش از تاریخ به همراه دوره اشکانی است. در ۳ نیز محوطه شواهدی از آثار و استقرارهای دوران پیش از تاریخ، اشکانی و اسلامی شناسایی گردید.

گورستان: محوطه باستانی الکیدر(۱) مشخصاً یک گورستان مربوط به دوره اشکانی است. هرچند محوطه های سبزه کوه، پافلی دیم، چُ چشمه، مخو یار، میان دربندک، خرکدر او۲، سنجه نو و موسی دار نیز دارای شواهدی از تدفین احتمالی در دوره اشکانی اند.

قلعه: محوطه باستانی کافر قلعه تنها سازه معماری برجها از دوران تاریخی (اشکانی) منطقه است.

موارد دیگر: محوطه باستانی اسکول یک پناهگاه صخره ای است که در آن مقادیری استخوان و نیز سفال دوره اشکانی شناسایی گردیده است.

محدودیت های تحقیق

نظر به وجود برخی موانع و محدودیتهای موجود دستیابی به تمام اهداف این تحقیق در خصوص روشن نمودن وضعیت فرهنگی منطقه در دوره اشکانی صرفاً با استناد به یافته های این

۱- بقایای استقرار مسطح که در دامنه، کوهپایه و شیب تپه ماهورها واقع شده و جهت اسکان، تدفین و... مناسب بوده و دارای پراکندگی مواد فرهنگی است.

اشکانی منطقه آبیک نیز بیانگر افزایش و گسترش چشمگیر استقرار جوامع انسانی در این منطقه در دوره اشکانی نسبت به دوره های قبل است. به طوریکه تنها در نتیجه یک فصل بررسی باستان شناختی در مناطق مرتفع چهار دهستان کوهپایه غربی، کوهپایه شرقی، زیاران و اقبال شرقی تعداد ۳۸ محوطه باستانی مربوط به دوره اشکانی شناسایی شده اند. هر چند که این محوطه ها عمدتاً گورستان و یا محوطه - با تعریفی که در صفحات پیش از محوطه شد - هستند. اما با توجه به فرآیندها و عوامل مهم زیست محیطی و انسانی که باعث دگرگونی شدید سیمای سطحی زمین و دفن یا تسطیح احتمالی تعدادی دیگر از محوطه ها گردیده، کمی مساحت محدوده پژوهش (حدود ۳۵۰ کیلومتر مربع) و این مهم که به احتمال زیاد شیوه زندگی غالب منطقه در عصر اشکانی زندگی کوچ‌نشینی مبتنی بر دامداری بوده، میتوان گفت که منطقه در دوره اشکانی بسیار آباد و پر رونق بوده است.

در خصوص ماهیت آثار و محوطه های اشکانی منطقه بایستی گفت که تقریباً تمامی محوطه های منطقه گورستان یا محوطه هایی با شواهد احتمالی استقرار های فقیر تک دوره‌ای بوده و هیچگونه نشانه‌ای از استقرار های بزرگتر چند لایه ای دوره اشکانی در منطقه شناسایی نشده است و صرفاً بقایای قلعه موسوم به کافر قلعه (در صورت اثبات نهایی تعلق آن به عصر اشکانی) در این بین یک استثناء است. البته با توجه به اینکه تمامی منطقه بررسی نشده است به احتمال زیاد تکمیل طرح بررسی و شناسایی کوهپایه آبیک تا حد زیادی به دانسته های ما خواهد افزود.

بیشتر محوطه های اشکانی منطقه در بخشهایی واقع شده‌اند که میانگین دمای سالیانه آنها حدود ۱۳ درجه سانتیگراد و متوسط بارش سالیانه آنها حدود ۲۶۰ میلیمتر است. این شرایط آب و هوایی در ارتفاع متوسط حدود ۱۹۰۰ متر از سطح آبهای آزاد و وجود چشمه سارها و جویبارهای کوچک و بزرگ فصلی و دائمی و وجود مراتع غنی شرایط مساعدی برای زندگی مبتنی بر دامداری به همراه کشاورزی محدود فراهم آورده (کشاورزی عمدتاً به صورت کشت دیم حبوبات و غلات و باغداری محدود که امروزه نیز در منطقه رایج است). به نظر می‌رسد در دوره اشکانی نیز شیوه رایج و غالب زندگی و معیشت مبتنی بر

و فرهنگی دانست. پس از دوره اشکانی، در دوره اسلامی نیز تداوم استقرار در منطقه مشاهده میشود به طوریکه ۴۷ اثر تاریخی و محوطه باستانی مربوط به قرون اولیه، میانی و متأخر اسلامی شناسایی شده و وجود آثار ادوار مختلف در برخی از این مکانها از جمله روستای تاریخی چناسک (محوطه قلا محله) نشانگر تداوم سکونت در این مکانها حداقل از عصر مس سنگی تا کنون است (نمودار شماره ۱)

تحلیل باستان شناختی آثار و محوطه های اشکانی

چنانچه پیشتر اشاره شد بر سر راه شناسایی وضعیت فرهنگی مناطق مختلف کشور در دوره اشکانی موانع و محدودیتهای زیادی قرار دارد و این محدودیتهای نه تنها شامل این دوره میشود بلکه اطلاعات ما از دوران هخامنشی و سلوکی نیز بسیار اندک و پراکنده است. در این بین وضعیت فرهنگی مناطق شمال و شمال غرب کشور در دوره مزبور به ویژه بسیار مهم است. این در حالی است که شواهد و مدارک نسبتاً زیادی از عصر آهن در منطقه شمال و شمال غرب کشور وجود دارد. پژوهشهای میدانی و بویژه کاوشهای باستان شناسی در محوطه هایی چون تپه ازیکی (مجیدزاده، ۱۳۷۹)، گورستان مزا (مافی، ۱۳۸۷)، ربط (حیدری، ۱۳۸۶: ۲۰۱)، حسنلو (Dyson, 1958, 1961 & 1975)، قالیچی (کارگر، ۱۳۸۶: ۲۸۷)، صرم (پورببخشنده: ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱) و قلی درویش (سرلک، ۱۳۸۶: ۱۸۷) اطلاعات ارزشمندی در خصوص وضعیت فرهنگی منطقه شمال و شمالغرب کشور به دست داده‌اند و این در حالی است که گزارش باستان شناختی مستند و قابل اعتمادی در خصوص وضعیت فرهنگی منطقه در دوره پس از عصر آهن III تا دوره اشکانی در دست نیست. از سوی دیگر در بسیاری از مناطق شمال، شمال غرب و غرب کشور استقرارهای اشکانی بسیار متراکم‌اند. به ویژه در مناطقی چون زاگرس مرکزی (محمدی فر، ۱۳۸۳: ۱۲۰)، ملایر (لوین، ۱۳۸۱: ۴۷۹)، ابهر (مافی، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۷۵ و عالی، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴) و ماهنشان (عالی، ۱۳۸۳: ۶۹)، این امر کاملاً مشهود است. تراکم مکانها و محوطه های اشکانی در مناطق فوق میتواند بیانگر تغییرات و تحولات اجتماعی و فرهنگی خاص در این دوره باشد. وضعیت تراکم محوطه ها و مکانهای

تقسیم بندی هرینک)، شمال فلات مرکزی (با استناد به سفالهای اشکانی تپه ازبکی) و شمال ایران (بر حسب تقسیم بندی هرینک) هستند.

سفالهای اشکانی کوهپایه‌ی آبیگ عمدتاً چرخ ساز، دارای خمیره‌ای با پخت کافی که رنگ خمیره‌ی آنها ۲۹٪ قرمز، ۲۷٪ نارنجی، ۲۲٪ قهوه‌ای روشن، ۷٪ قهوه‌ای مایل به قرمز، ۳٪ قرمز مایل به صورتی و ۲٪ نخودی است (نمودار شماره‌ی ۲).

شایان اشاره است رنگ خمیره‌ی سه تکه از سفالها خاکستری و یک تکه به رنگ سیاه است. ضمن اینکه آمیزه‌ی بکار رفته در خمیره‌ی سفالهای مورد بحث عمدتاً ماسه‌ی نرم و در بعضی موارد مواد معدنی مانند آهک است. در خمیره‌ی تعدادی از تکه سفالها شن و ماسه، ماسه متوسط، در یک قطعه آمیزه‌ی گیاهی و در قطعه‌ای دیگر خرده سفال مشاهده شد.

رنگ پوشش بیرونی سفالهای مورد مطالعه عموماً قهوه‌ای روشن است که پس از این رنگ، رنگهای قرمز و سپس نارنجی بیشترین رنگ پوشش بیرونی سفالها را تشکیل می‌دهند. سطح بیرونی ۸۳/۵٪ سفالهای مورد مطالعه دارای پوشش گلی بوده که ۸۰٪ از آنها رقیق و ۲۰٪ غلیظ است. رنگ پوشش درونی سفالهای مذکور همانند پوشش بیرونی عمدتاً قهوه‌ای روشن است که پس از این رنگ، رنگهای نارنجی و سپس قرمز بیشترین رنگ پوشش درونی را تشکیل می‌دهند. سطح داخلی ۴۵٪ از سفالها دارای پوشش گلی بوده که ۷۹٪ از آنها رقیق و ۲۱٪ غلیظ است (نمودار شماره ۳).

در بین محوطه‌های دارای سفال اشکانی، از دو محوطه‌ی قلامحله‌ی روستای چناسک و کهنه قصر هر کدام یک قطعه سفال جیلینگی بدست آمده و تنها محوطه‌ای که دارای سفال منقوش، محوطه‌ی البکدر (۱) است. این قطعه سفال دارای نقش شطرنجی به رنگ سیاه روی زمینه‌ی نارنجی است. در محوطه بالا قر قلعه یک تکه سفال با نقش داغدار یافت شد که تنها سفال یافت شده با این نقش در منطقه و متأثر از سفال دوره‌ی اشکانی شمال ایران است.

ترتیبات سفال اشکانی این منطقه عبارتند از: نقاشی روی سفال، نقش داغدار، نقش افزوده‌ی طنابی، نقش کنده و نقش فشرده‌ی انگشتی. ضمن اینکه تعدادی سفال صیقلی نیز در

دامداری و همین کشاورزی محدود بوده است. بنابر این چنانچه پیشتر اشاره شد؛ به استثناء شواهد موجود در روستای تاریخی چناسک، محوطه قلامحله و نیز بنای کافر قلعه، شواهد دیگری از سکونت دائم و روستاهای دوره اشکانی در منطقه شناسایی نشده و محوطه‌های معرفی شده عمدتاً گورستان و استقرار گاههای موقت یا فصلی ساکنان منطقه در دوره اشکانی است.

شکل گیری محوطه‌های فوق الذکر تابعی از شرایط خاص زیست محیطی منطقه است و باشندگان منطقه با توجه به نیازهای خاص زندگی خود و شناخت کاملی که از توانمندیهای زیست محیطی منطقه داشته‌اند؛ بهترین مکانها را برای زیست خود و دفن مردگان و کشت و زرع محصولات و چرای دامهایشان انتخاب می کرده‌اند. در این بین شیب زمین، جنس خاک و منابع آب سه مؤلفه اساسی مد نظر ایشان بوده است. به همین دلیل در بعضی محوطه‌ها با پراکنش وسیع داده‌ها و مواد فرهنگی (عمدتاً سفال) مواجهیم که ممکن است این تصور را پدید آورد که این شواهد مربوط به استقرارهای وسیع اند اما در واقع اینگونه نیست و چنانچه پیشتر اشاره شد اکثر محوطه‌های این دوره شواهد کمی از استقرارها و اسکانهای تک لایه‌ای گاه فصلی دارند.

کوچک و محدود بودن منطقه تحقیق، فقر نسبی محوطه‌ها از حیث دارا بودن مواد فرهنگی و لایه‌های باستانی، عدم کفایت مطالعات باستان شناسی دوران تاریخی منطقه و علی-الخصوص عدم انجام گمانه زنی، کاوش، لایه نگاری و برخی دلایل دیگر باعث می‌شود تعمیم الگوی استقراری پیش گفته به تمام منطقه‌ی آبیگ چندان صحیح به نظر نرسد و تعمیم ویژگیهای توزیع فضایی و پراکنش آثار و محوطه‌های منطقه به سایر مناطق مجاور ممکن است ما را در تحلیل کلی وضعیت آثار و استقرارهای منطقه دچار اشتباه کند. بنابر این لازمه داشتن تصویر روشنتری از وضعیت آثار و استقرارهای اشکانی منطقه انجام بررسی‌های علمی باستان شناسی در سایر مناطق کوهپایه آبیگ است.

سفال‌های اشکانی کوهپایه‌ی آبیگ

نتیجه‌ی بررسی‌های انجام شده بر روی سفالهای محوطه‌های اشکانی منطقه، ما را به این امر رهنمون می‌نماید که این سفالها، دارای ویژگی‌های سفال اشکانی غرب (بر حسب

الیکدر (۱) که در پی به اختصار معرفی می‌شوند:

قلا محله‌ی روستای چناسک: این محوطه که هم‌اکنون به عنوان بخشی از روستای چناسک با نام قلامحله شناخته می‌شود، در قسمت غربی بافت روستای چناسک در بالای پناهگاه‌های صخره‌ای دربند واقع شده است. شایان اشاره است که در ضلع شمال‌غربی، محوطه با شیبی در حدود 45° به رودخانه‌ی دربند می‌رسد. بنای حمام قدیمی و امامزاده‌ی روستای چناسک نیز بر روی این محوطه ساخته شده است. محدوده‌ی این محوطه که تماماً مورد ساخت و ساز خانه‌های روستایی واقع شده تقریباً بیش از ۹۰٪ تخریب شده است. قسمت اعظم محوطه توسط پی ساختمان‌های پیش‌گفته تخریب شده به صورتی که حتی سفال‌های فراوانی در داخل خشت‌ها و ملات بکار رفته در این بناها دیده می‌شود. نکته‌ی جالب توجه در مورد این محوطه توالی دوره‌های آن است چرا که از سفال‌های دوره‌ی مس‌سنگ تا دوران متأخر اسلامی بر روی این محوطه دیده می‌شود. متأسفانه به دلیل تخریب بسیار زیاد محوطه امکان مشخص نمودن محدوده‌ی محوطه و محدوده‌ی پراکندگی یافته‌ها برای هیأت بررسی میسر نشد اما می‌توان محدوده‌ای در حدود 150×70 متر را به عنوان محدوده‌ی این محوطه در نظر گرفت که در امتداد حاشیه‌ی شرقی رودخانه‌ی فصلی دربند گسترش یافته است.

کافر قلعه: این قلعه بر قله‌ی صخره‌ای کوهی قرار گرفته و کل محدوده‌ی قلعه ابعادی در حدود ۱۵۰ متر شرقی- غربی و ۷۰ متر شمالی- جنوبی را در برمی‌گیرد. دامنه‌ی غربی و شمالی این کوه کاملاً صخره‌ای و منتهی به دره و بستر رودخانه‌ی بهجت‌آباد است، دامنه‌ی شرقی نیز با بستر صخره‌ای بر روی ارتفاعات پیش می‌رود و بسیار صعب‌العبور است و تنها دامنه‌ای که دسترسی به قلعه اندکی آسانتر می‌نماید دامنه‌ی جنوبی است که با شیبی نسبتاً ملایم در سطوح پایین‌تر (حدود 45°) تا نزدیکی قلعه می‌توان رسید اما در نزدیکی قلعه با برخورد به بستر صخره‌ای صعود اندکی مشکل می‌شود. از سمت همین دامنه (یعنی از سوی جنوبی) مناطق بسیار وسیع تا دشت‌های جنوبی شهرستان آبیک به خوبی دیده می‌شود. معماری کافرقلعه که به صورت پلکانی در شیب‌های اطراف قله تا روی قله ساخته شده است و اصلی‌ترین بخش آن بر روی بستر کاملاً صخره‌ای که از هر جهت دیواره‌ای

محوطه‌های اشکانی منطقه به چشم می‌خورد. همچنین اشکال ظروف از تنوع زیادی برخوردار بوده و شامل خمره‌های بزرگ دهانه تنگ، کوزه‌های دسته دار و بدون دسته، انواع کاسه‌ها، کاسه‌های لبه برگشته و کاسه‌های با بدنه‌ی زاویه دار، پیاله‌ها و یک ظرف از محوطه‌ی لات کشان، شبیه آنچه که هرینک در کتاب خود بشقاب ماهی نامیده است.

با استناد به ویژگی‌های سفالهای دوره‌ی اشکانی منطقه و مقایسه‌ی آنها با تقسیم‌بندی و گاهنگاری هرینک، می‌توان به این نتیجه رسید که محدوده‌ی مورد بررسی در تمام طول عمر حکومت اشکانیان دارای استقرار بوده است. همانطور که پیشتر اشاره شد با توجه به تقسیم‌بندی هرینک سفالهای اشکانی منطقه قابل مقایسه با سفال اشکانی شمال و غرب ایران است. شاخصه‌ی سفال غرب از سده‌ی سوم تا ۱۵۰ پیش از میلاد، سفال منقوش و شاخصه سفال شمال ایران از سده‌ی سوم تا سده‌ی اول پ.م سفالهای صیقلی و داغدار بوده که هر دو مورد (منقوش و داغدار) در سفالهای منطقه به چشم می‌خورد. در دوره‌ی میانه اشکانی که سالهای بین ۱۵۰ تا سده‌ی اول پ.م را در بر می‌گیرد؛ در غرب ایران سفالهای معمولی، منقوش، جیلینگی و لعاب‌دار متداول بوده که سفالهای اشکانی محدوده‌ی بررسی نیز بجز مورد لعاب‌دار، با دیگر موارد قابل مقایسه است. ضمن اینکه فرم ظروف موسوم به بشقاب ماهی که در این بازه‌ی زمانی در غرب رایج است؛ در محوطه‌های اشکانی منطقه‌ی مورد بررسی نیز وجود دارد. اما سالهای بین سده‌ی اول پ.م تا حدود ۲۲۵ میلادی در شمال سفالهای صیقلی و در غرب ایران سفالهای معمولی، جیلینگی و لعاب‌دار رایج بوده که بجز سفال لعاب‌دار، همه‌ی موارد بالا با بسیاری از ویژگی‌هایشان از جمله ظروف دسته دار و سفال معمولی در سفال اشکانی منطقه وجود دارد.

چنانچه پیشتر اشاره شد یکی دیگر از اهداف این پژوهش شناسایی و معرفی محوطه‌هایی بود که بتوان از طریق کاوش، گمانه زنی، لایه نگاری و سایر فعالیت‌های میدانی، اطلاعات باستان‌شناختی دقیق‌تری از آنها بدست آورد تا به تحلیل جامع‌تری در رابطه با دوره‌ی اشکانی دست یافت. مهمترین محوطه‌ها عبارتند از قلامحله، کافرقلعه، تپه شکرناپ (گنبد) و

زمین‌های بایر محدود می‌شود. ارتفاع تپه نسبت به بستر رودخانه-ی الیکدر حدود ۱۰ متر است. در سطح محوطه آثار پراکنده‌ی سفال دیده می‌شود که در اثر تخریب گورها توسط حفاران غیرمجاز، پراکنده شده‌اند. بر اساس سفال‌های موجود در سطح محوطه که همگی از قطعات سفال‌های ضخیم و زمخت اشکانی هستند و پراکندگی استخوان در نقاط حفاری شده می‌توان گفت که این محوطه به احتمال قوی یک گورستان اشکانی با گورهای خمره‌ای است.

در پایان جهت جلوگیری از اطاله‌ی کلام تنها به ذکر نام محوطه‌هایی که انجام کاوش و گمانه‌زنی در آنها اطلاعات مهمی در خصوص ابعاد مختلف فرهنگ و تمدن اشکانی در منطقه در اختیار ما قرار می‌دهد؛ بسنده می‌نماییم: پافلی دیم، چُ چشمه، مخویار، میان دربندک، خرکیدر او ۲، سنجه نو، موسی دار، کلانگ دشت، سبزه کوه، اراضی کام کام و بسیاری محوطه‌های دیگر که ضرورت انجام تحقیق در آنها وجود دارد.

برآیند

با انجام پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده در خصوص وضعیت منطقه کوهپایه آبیگ در دوره اشکانی نتایج بدست آمد که اجمالاً به شرح زیر است:

- ۱- از تعداد ۸۹ مکان و محوطه باستانی شناسایی شده در منطقه، ۳۸ محوطه دارای شواهدی از دوره اشکانی هستند.
- ۲- آثار و محوطه‌های اشکانی منطقه از نظر تعداد نسبت به دوره قبل (عصر آهن تا هخامنشی) و بعد (دوره ساسانی) بیشتر است.
- ۳- محوطه‌های اشکانی منطقه عمدتاً گورستان و یا محوطه‌هایی با شواهدی از استقرارهای فقیر تک دوره‌ای هستند.
- ۴- دو محوطه تپه امامزاده شکرناپ و قلامحله را میتوان بعنوان استقرارگاه‌های دائم دوره اشکانی و کافر قلعه را بعنوان شاخص ترین اثر دوره اشکانی منطقه معرفی نمود.
- ۵- سفال اشکانی منطقه علاوه بر دارا بودن ویژگیهای قوی بومی، متأثر از گستره‌ی فرهنگی غرب و شمال ایران است.
- ۶- شیب زمین، جنس خاک و دسترسی به منابع آب سه مؤلفه اساسی در شکل‌گیری محوطه‌های اشکانی منطقه بوده و تقریباً تمامی محوطه‌های اشکانی در کنار منابع دائمی آب (چشمه‌ها و جویبارها) واقع شده‌اند.

عظیم دارد ساخته شده است. مصالح ساخت بنا قلوه‌سنگ‌های کوهستانی و ملات آهک یا ساروج است و ضخامت دیوارها بین ۶۰ تا ۷۰ سانتی‌متر است. یکی از سالمترین دیوارهای بنا در ضلع شمالی قرار گرفته که برجی در گوشه دارد که شاید از این نمونه در هر چهار جهت بنا وجود داشته است. فضاسازی داخلی بنا به دلیل پرشدن قسمت‌های زیادی از بنا با آوار سنگ‌ها و تخریب برخی قسمت‌ها توسط حفاران غیرمجاز مشخص نیست و فقط در بعضی نقاط دیوارهایی دیده می‌شود. بارزترین ویژگی قلعه که در جنوب بنا قرار گرفته، آب‌انبار یا حوض ذخیره‌ی آب قلعه است. این حوض مدور است و قطری در حدود ۱/۸ متر دارد و عمق تقریبی آن نیز در همین حدود بوده و در بستری صخره‌ای حفر گردیده است و در زمان بازدید هیأت بررسی نیز پر از آب بود. سفالهای پراکنده در محدوده‌ی قلعه و دامنه‌های پائین دست آن با تراکمی حدود یک قطعه در هر سه متر مربع قابل مقایسه با سفالهای محوطه-های اشکانی - ساسانی شناسایی شده در منطقه‌ی مورد بررسی است.

تپه شکرناپ: تپه‌ی شکرناپ که در میان اهالی به گنده (Genda) مشهور است؛ در کنار بنای امامزاده علی روستای شکرناپ، در فاصله‌ی ۱۴۰ متری آن و در فاصله‌ی ۴۰ متری شرق جاده‌ی آسفالت‌هی روستای چناسک واقع شده است. طول این تپه در جهت شرقی- غربی، ۵۸ متر و عرض آن در جهت شمالی- جنوبی، ۴۶ متر است. ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف هشت متر و شیب آن تقریباً در همه‌ی جهات یکسان و در حدود ۴۵° است. در ارتفاع یک متری از سطح زمین‌های اطراف، دامنه‌ی تپه شیبی بسیار کم و نسبتاً مسطح دارد. این سطح نسبتاً هموار دور تا دور محوطه ادامه می‌یابد اما بعد از آن شیب تپه تا رأس آن با شیبی یکسان در همه‌ی جهات ادامه می‌یابد.

الیکدر (۱): این گورستان به طول شمالی- جنوبی ۱۷۰ متر و عرض شرقی- غربی ۱۰۰ متر در دورتادور دامنه‌ی تپه‌ای طبیعی که رأس آن صخره‌ای است؛ قرار گرفته و مساحتی در حدود ۱/۷ هکتار را دربرمی‌گیرد. این تپه در بین دو آبراهه محصور شده است. آبراهه‌ی شرقی که به رودخانه‌ی الیکدر موسوم بوده و آبی دائمی دارد و آبراهه‌ی غربی که آبراهه‌ای فصلی است؛ از شمال به بستر صخره‌ای کوه و از جنوب به

منابع

فارسی

لوین، ل.، ۱۳۸۱، عصر آهن، در: باستان شناسی غرب ایران، ویرایش فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت، صص ۴۹۶-۴۴۸.

مافی، ف.، ۱۳۸۵، تحلیل باستان شناختی آثار و استقرارهای اشکانی حوزه‌ی آبریز ابهر رود، مجله علمی - پژوهشی پیام باستان شناس، ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.

-----، ۱۳۸۶، بررسی باستان شناسی کوهپایه آبیک (فصل اول)، قزوین، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان قزوین.

-----، ۱۳۸۷، کاوش نجات بخشی گورستان مزرا (فصل اول)، قزوین، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان قزوین.

مجیدزاده، ی.، ۱۳۷۸، گزارش کاوشهای فصل اول و دوم تپه ازبکی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

محمدی فر، ی.، ۱۳۸۴، بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی در زاگرس مرکزی، پایان نامه دکتری باستان شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

معصومی، غ.، ۱۳۸۶، تاریخچه علم باستان شناسی، تهران، انتشارات سمت.

مؤمنی، آ.، ۱۳۸۵، بررسی باستان شناسی دره اندج رود الموت، قزوین، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان قزوین.

نجفی، ا.، ۱۳۸۷، بررسی و تحلیل باستان شناختی الگوهای استقرار و فرهنگ مادی ارتفاعات جنوبی البرز در محدوده‌ی شهرستان آبیک بر اساس نتایج حاصل از بررسی‌های انجام شده و مطالعات جدید، ابهر، کتابخانه مرجع دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.

نیاکان، ل.، ۱۳۸۴، گزارش بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان اشتها، آرشیو پژوهشکده‌ی باستان شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور.

هرینک، ا.، ۱۳۷۶، سفال اشکانی، ترجمه حمیده چوبک، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

پازوکی، ن.، ۱۳۸۲، آثار تاریخی طالقان، تهران، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.

چوبک، ح.، ۱۳۸۱، گزارش فعالیتهای باستان شناسی الموت، قزوین، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان قزوین.

حیدری، ر.، ۱۳۸۶، نتایج دومین فصل پژوهش‌های باستان شناختی ربط سردشت، ۱۳۸۵، گزارشهای باستان شناسی (۷) (جلد اول)، تهران، انتشارات پژوهشکده باستان شناسی.

رضایی کلج، م.، ۱۳۸۴، معرفی و مستند سازی مکانها و محوطه های باستانی استان قزوین، قزوین، آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان قزوین.

سرلک، س.، ۱۳۸۶، گزارش مقدماتی چهارمین فصل کاوش در محوطه قلی درویش جمکران، قم، گزارشهای باستان شناسی (۷) (جلد اول)، تهران، انتشارات پژوهشکده باستان شناسی.

عالی، ا.، ۱۳۸۳، گزارش بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان ماهنشان، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان زنجان.

-----، ۱۳۸۴، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان شناسی حوزه آبریز ابهر رود (شهرستانهای ابهر و خرمدره)، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان زنجان.

-----، ۱۳۸۵، گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی باستان شناسی حوزه آبریز ابهر رود (شهرستانهای ابهر و خرمدره)، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان زنجان.

کارگر، ب.، ۱۳۸۶، خلاصه گزارش نهمین فصل کاوش تپه قلاچی بوکان (زیرتو، مرکز دولت مانا)، گزارشهای باستان شناسی (۷) (جلد اول)، تهران، انتشارات پژوهشکده باستان شناسی.

کامبخش فرد، س.، تهران سه هزار و دوست ساله بر اساس کاوش های باستان شناسی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

غیرفارسی

Keal, E., & Keal, M., 1981, Qaleh-yazdigird Pottery: A Statistical Approach, Iran, Vol. XIX, pp 33-79.

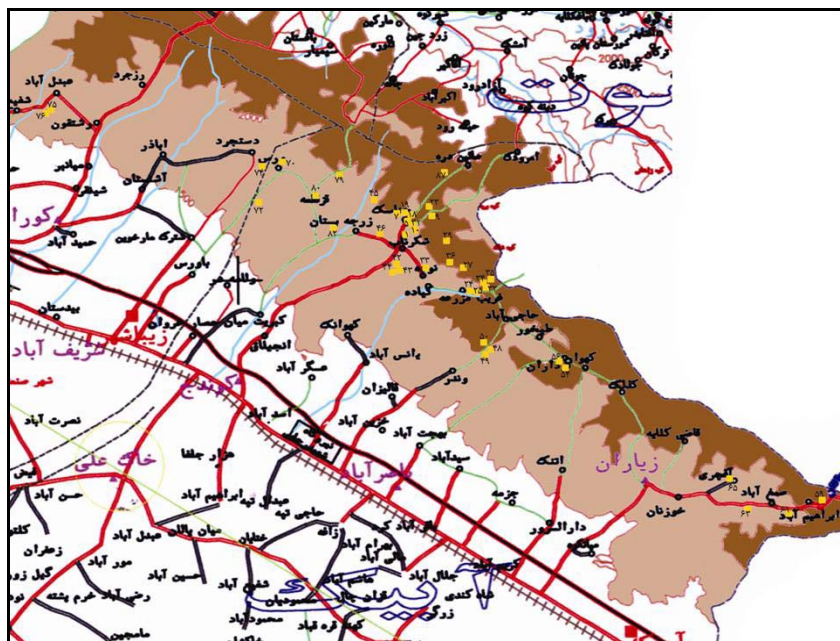
Naderi, R., Mafi. F., & Akhoundi, R., 2010, Chenask: an open middle Palaeolithic site from the southern foothills of the Alborz Mountains, 7ICAANE Administrator, 7th International Congress on the Archaeology of the Ancient Near East, London, 12th-16th April 2010.

Dyson, R. H., 1961, Excavating the Mannean Citadel of Hassanlu, I. L. N., Sept. 30.

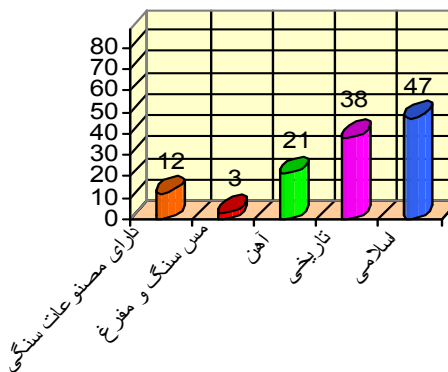
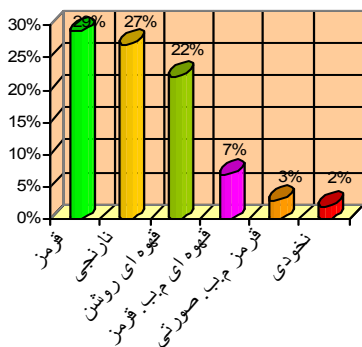
, 1958, Iron Age Hassanlu, ----- University Museum Bulletin, V. 22.

Dyson, R. H., 1975, Hassanlu, the Ninth Century B.C. Gateway, 3rd Annual Symposium in Iran, Tehran.

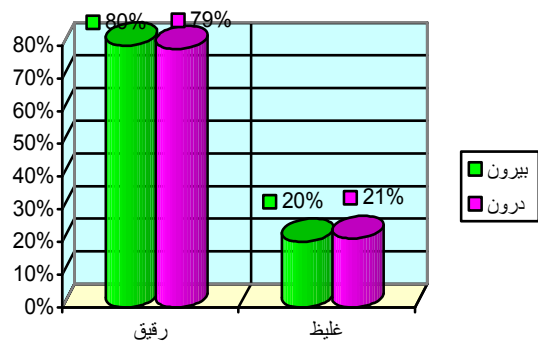
Keal, E., 1979, Qaleh-yazdigird, Iran, Vol. XVII.



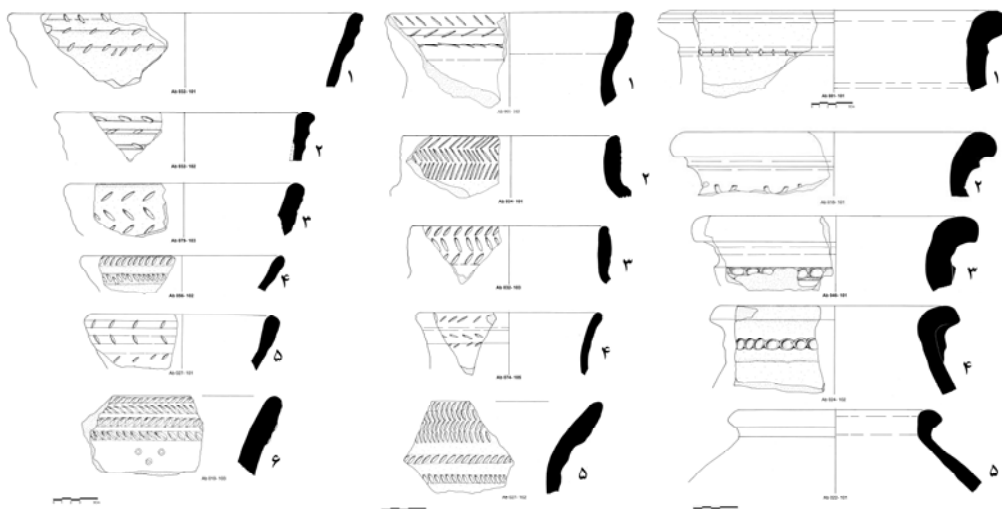
نقشه‌ی شماره‌ی ۱- جانمایی محوطه‌های اشکانی شناسایی شده بر روی نقشه.



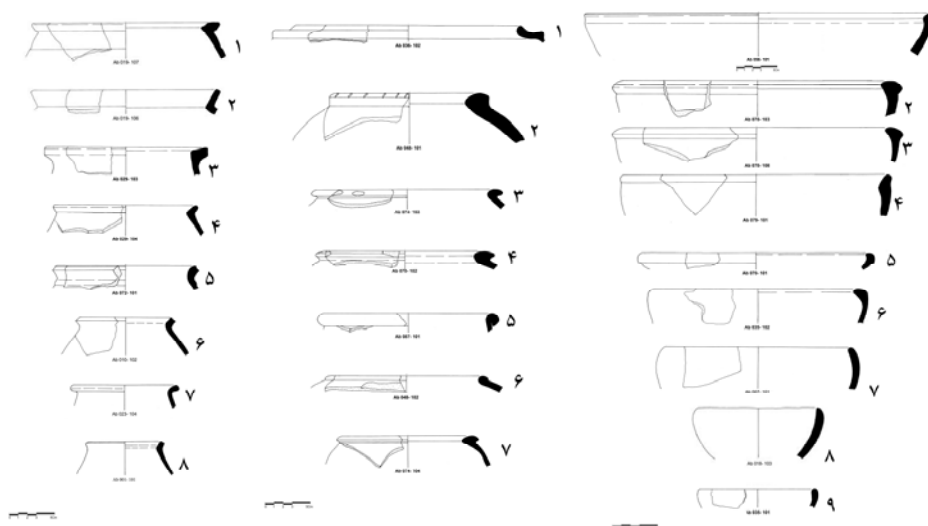
راست) نمودار شماره‌ی ۱ - چپ) نمودار شماره‌ی ۲



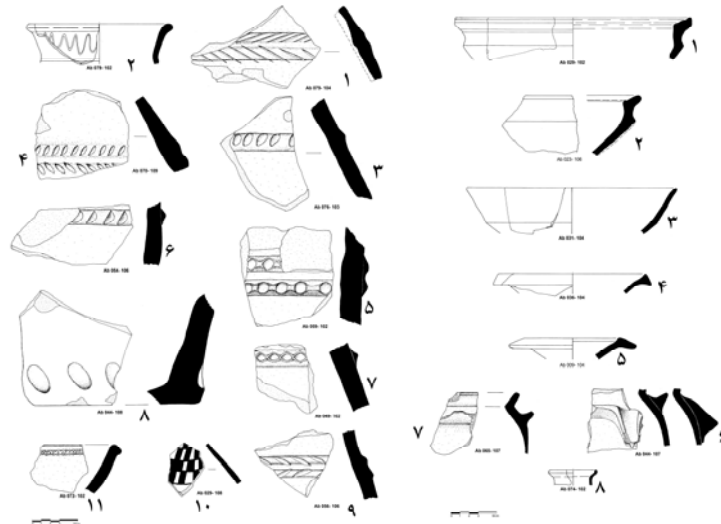
نمودار شماره‌ی ۳



تصویر شماره ۱: راست) طرح شماره ۱- وسط) طرح شماره ۲- چپ) طرح شماره ۳.



تصویر شماره ۲: راست) طرح شماره ۴- وسط) طرح شماره ۵- چپ) طرح شماره ۶.



تصویر شماره ۳: راست) طرح شماره ۷- چپ) طرح شماره ۸.

جدول شکل ۱: مشخصات و مقایسات مربوط به طرح شماره ۱.

شماره ثبت	رنگ خمیره	چسباندنه مادهی	دورن نوع پوشش	دورن رنگ پوشش	بیرون نوع پوشش	بیرون رنگ پوشش	ساختن	بخت	نوع تزیین	ملاحظات و مقایسات
۱	نارنجی	ماسه	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	افزوده	مجیدزاده، ۱۳۷۸، لوح ۳: ۶
۲	نارنجی	معدنی	گلی رقیق	نخودی	گلی رقیق	نخودی	چرخ‌ساز	کافی	نقش کنده	
۳	نارنجی	معدنی	گلی رقیق	قرمز	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	افزوده طنابی	
۴	قرمز	معدنی	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	افزوده	Keal, 1981, Fig 27: 9
۵	قهوه‌ای روشن	معدنی	---	قهوه‌ای مایل به قرمز	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	---	Keal, 1981, Fig 9: 37

جدول شکل ۲: مشخصات و مقایسات مربوط به طرح شماره ۲.

شماره ثبت	رنگ خمیره	چسباندنه مادهی	دورن نوع پوشش	دورن رنگ پوشش	بیرون نوع پوشش	بیرون رنگ پوشش	ساختن	بخت	نوع تزیین	ملاحظات و مقایسات
۱	نارنجی	ماسه	---	نارنجی	گلی رقیق	نخودی	چرخ‌ساز	کافی	نقش کنده	مجیدزاده، ۱۳۷۸، لوح ۴: ۸ و ۴
۲	نارنجی	معدنی	---	نارنجی	---	نارنجی	چرخ‌ساز	کافی	نقش کنده	مجیدزاده، ۱۳۷۸، لوح ۴: ۸
۳	نارنجی	ماسه	گلی غلیظ	نخودی	گلی رقیق	نخودی	چرخ‌ساز	کافی	---	مجیدزاده، ۱۳۷۸، لوح ۴: ۸
۴	قهوه‌ای روشن	نامشهود	گلی رقیق	نارنجی	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی		مجیدزاده، ۱۳۷۸، لوح ۴: ۴
۵	قرمز	ماسه	گلی رقیق	صورتی	گلی رقیق	صورتی	چرخ‌ساز	کافی	نقش کنده	مجیدزاده، ۱۳۷۸، لوح ۴: ۸ و ۴

جدول شکل ۳: مشخصات و مقایسات مربوط به طرح شماره ۳.

شماره ثبت	رنگ خبیره	چسب‌اننده	ماده‌ی	نوع پوشش	رنگ پوشش	نوع پوشش	رنگ پوشش	نوع پوشش	پخت	نوع تزئین	ملاحظات و مقایسات
۱	نارنجی	معدنی	گلی	رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی	رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	نقش کنده	
۲	قهوه‌ای روشن	ماسه	----	----	قهوه‌ای	----	----	قهوه‌ای	چرخ-ساز	----	
۳	قرمز	نامشهود	----	----	قرمز	----	----	قرمز	چرخ-ساز	نقش کنده	
۴	قهوه‌ای	نامشهود	گلی	رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی	رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	نقش کنده	مجیدزاده، ۱۳۷۸، لوح ۸:۴
۵	قهوه‌ای	معدنی	----	----	قهوه‌ای روشن	----	----	قهوه‌ای مایل به قرمز	چرخ-ساز	نقش کنده	مجیدزاده، ۱۳۷۸، لوح ۵:۲
۶	قهوه‌ای مایل به قرمز	ماسه‌ی نرم	---	---	قهوه‌ای مایل به قرمز	گلی	غلیظ	نخودی	چرخ-ساز	نقش کنده‌ی گندمی	نقش دربیرون ظرف مجیدزاده، ۱۳۷۸، لوح ۸:۴

جدول شکل ۴: مشخصات و مقایسات مربوط به طرح شماره ۴.

شماره ثبت	رنگ خبیره	چسب‌اننده	ماده‌ی	نوع پوشش	رنگ پوشش	نوع پوشش	رنگ پوشش	نوع پوشش	پخت	نوع تزئین	ملاحظات و مقایسات
۱	قرمز	معدنی	گلی	رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی	رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی	Keal,1981, Fig 19: 17
۲	نارنجی	نامشهود	گلی	رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی	رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی	Keal,1981, Fig 19: 10
۳	نارنجی	نامشهود	گلی	رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی	رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی	Keal,1981, Fig 19: 10
۴	قرمز	معدنی	گلی	غلیظ	قرمز	----	----	قرمز	چرخ-ساز	کافی	----
۵	نارنجی	نامشهود	----	----	قهوه‌ای روشن	گلی	رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی	Keal,1981, Fig 17: 4
۶	قهوه‌ای روشن	معدنی	----	----	قهوه‌ای روشن	گلی	رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی	Keal,1981, Fig 17: 14
۷	قهوه‌ای مایل به قرمز	ماسه‌ی نرم	---	---	قرمز	گلی	رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی	هرینک، ۱۳۷۶، شکل ۷:۱۵
۸	قهوه‌ای	ماسه	گلی	رقیق	قهوه‌ای	گلی	غلیظ	قهوه‌ای	دست-ساز	کافی	----
۹	قرمز	معدنی	----	----	قرمز	----	----	قرمز	چرخ-ساز	کافی	

جدول شکل ۵: مشخصات و مقایسات مربوط به طرح شماره ۵.

شماره ثبت	رنگ خیمه	چسباندنه مادی	دورن نوع پوشش	رنگ دورن	رنگ بیرون نوع پوشش	بیرون نوع پوشش	رنگ بیرون پوشش	ساخت	بخت	نوع ترین	ملاحظات و مقایسات
۱	قهوه‌ای روشن	نامشهود	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی		Keal,1981, Fig 9: 17	
۲	قهوه‌ای روشن	نامشهود	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی	نقش کنده	Keal,1981, Fig 10: 18	
۳	قرمز	ماسه ریز	گلی رقیق	قرمز	گلی رقیق	قرمز	چرخ-ساز	کافی		Keal,1981, Fig 16: 10	
۴	قهوه‌ای روشن	معدنی	----	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی		Keal,1981, Fig 9: 33	
۵	قرمز	معدنی	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی			
۶	قرمز	نامشهود	----	قرمز	----	قرمز	چرخ-ساز	کافی			
۷	نخودی	نامشهود	----	نارنجی	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی		Keal,1981, Fig 9: 29	

جدول شکل ۶: مشخصات و مقایسات مربوط به طرح شماره ۶.

شماره ثبت	رنگ خیمه	چسباندنه مادی	دورن نوع پوشش	رنگ دورن	رنگ بیرون نوع پوشش	بیرون نوع پوشش	رنگ بیرون پوشش	ساخت	بخت	نوع ترین	ملاحظات و مقایسات
۱	قهوه‌ای روشن	نامشهود	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی		----	
۲	قرمز	ماسه	گلی غلیظ	قرمز	گلی غلیظ	قرمز	چرخ-ساز	کافی		----	
۳	قرمز	معدنی	----	قهوه‌ای روشن	----	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی			
۴	قهوه‌ای روشن	نامشهود	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی			
۵	نارنجی	ماسه	----	نارنجی	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی		Keal,1981, Fig 12: 9	
۶	قهوه‌ای مایل به قرمز	غیر قابل رویت	گلی غلیظ	قهوه‌ای مایل به قرمز	گلی غلیظ	قهوه‌ای مایل به قرمز	چرخ-ساز	کافی		Keal,1981, Fig 13: 22	
۷	قهوه‌ای مایل به قرمز	معدنی	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی		----	Keal,1981, Fig 16: 15
۸	قهوه‌ای	ماسه‌ی نرم	گلی غلیظ	قهوه‌ای روشن	گلی غلیظ	قهوه‌ای روشن	چرخ-ساز	کافی		---	Keal,1981, Fig 13: 20

جدول شکل ۷: مشخصات و مقایسات مربوط به طرح شماره ۷.

شماره ثبت	رنگ خمیره	چسباننده ماده‌ی	دورن نوع پوشش	رنگ پوشش دورن	نوع پوشش بیرون	رنگ پوشش بیرون	نقش	پختن	نوع تزئین	ملاحظات و مقایسات
۱	نارنجی	نامشهود	----	قرمز	گلی رقیق	قرمز	چرخ‌ساز	کافی		Keal,1981, Fig 17: 27
۲	نارنجی	ماسه	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	----	Keal,1981, Fig 17: 23
۳	قرمز	نامشهود	----	قرمز	----	قرمز	چرخ‌ساز	کافی	----	جیلینگی
۴	قرمز	نامشهود	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی		Keal,1981, Fig 14: 17
۵	قهوه‌ای	غیرقابل رویت	گلی غلیظ	قهوه‌ای	گلی غلیظ	قهوه‌ای	چرخ‌ساز	کافی	---	Keal,1981, Fig 19: 18
۶	قهوه‌ای مایل به قرمز	ماسه	گلی غلیظ	قهوه‌ای مایل به قرمز	گلی غلیظ	قهوه‌ای مایل به قرمز	چرخ‌ساز	کافی		
۷	قهوه‌ای مایل به قرمز	ماسه	گلی غلیظ	قهوه‌ای	گلی غلیظ	قرمز	چرخ‌ساز	کافی	----	
۸	قرمز	نامشهود	----	قرمز	----	قرمز	چرخ‌ساز	کافی		جیلینگی

جدول شکل ۸: مشخصات و مقایسات مربوط به طرح شماره ۸.

شماره ثبت	رنگ خمیره	چسباننده ماده‌ی	دورن نوع پوشش	رنگ پوشش دورن	نوع پوشش بیرون	رنگ پوشش بیرون	نقش	پختن	نوع تزئین	ملاحظات و مقایسات
۱	قرمز	ماسه	؟	؟	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	نقش کنده	
۲	نارنجی	معدنی	----	قهوه‌ای روشن	----	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	خطوط داغدار	Keal,1981, Fig 14: 8
۳	نارنجی	شن	----	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	افزوده طنابی	
۴	قرمز مایل به صورتی	نامشهود	----	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	افزوده طنابی	
۵	نارنجی	ماسه ریز	----	نارنجی	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	افزوده طنابی	
۶	نارنجی	ماسه	----	نارنجی	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	افزوده طنابی	
۷	نارنجی	معدنی	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	افزوده طنابی	
۸	نارنجی	ماسه	----	نارنجی	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	فشرده انگشتی	
۹	قهوه‌ای روشن	نامشهود	----	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	قهوه‌ای روشن	چرخ‌ساز	کافی	افزوده	
۱۰	نارنجی	نامشهود	----	نارنجی	گلی رقیق	نارنجی	چرخ‌ساز	کافی	منقوش	
۱۱	سیاه	ماسه	----	قرمز	گلی غلیظ	قهوه‌ای مایل به قرمز	چرخ‌ساز	کافی	افزوده	